

# قمه زنی زیر تیغ نقد از زاویه ای دیگر

محمدصادق مزینانی

قمه زنی و کارهایی همانند آن، پیشینه ای در روزگار امامان معصوم(ع) ندارد. این شیوه از عزاداری از روزگار صفویه به وسیله قزلباشان و یا روزگار قاجاریه به وجود آمده است :

الف. روایات و گرایش های تاریخی: شماری برای جواز و روایی قومه زنی به پاره ای از روایات و گزارش های تاریخی استناد کرده اند. که ما در جای خود به نقد و بررسی آن پرداخته و به این نتیجه رسیده ایم که قومه زنی و امثال آن هیچ دلیل شرعی نه به گونه ای خاص و نه به گونه ای عام ندارد.

در این مقاله، از زوایای دیگری چون:

۱. زیان رساندن به بدن

۲. وهن مذهب

به بحث و بررسی قومه زنی و کارهایی همانند آن خواهیم پرداخت:

۱. زیان رساندن به بدن

برخی از فقیهان از بُعد زیان رساندن به نفس، به قومه زنی و کارهایی همانند آن نگریسته اند. از باب نمونه: از شیخ عبدالکریم حائری سوال شده است: تیغ زدن به سر در روز عاشورا جایز است یا نه ؟

ایشان در پاسخ فرموده اند: در صورتی که مضر به نفس نباشد جایز است. برخی از شاگردان ایشان نیز، همین دیدگاه را تایید کرده اند. فتوای به جواز از سوی آقای حائری و برخی از شاگردان ایشان مشروط است.

پرسش اصلی در این جا این است که آیا تفکیک بین قومه زنی و ضرر امکان پذیر است آیا این سخن که قومه زنی جایز است مگر این که ضرر به نفس داشته باشد این استثناء استثناء شی از نفس نیست؟

این سخن مانند آن است که گفته شود خوردن قطعه های لامپ مهتابی (برخی از صوفیان کردستان چنین کارهایی انجام می دهند). جایز است مگر این که ضرر داشته باشد. افزون براین، از آیت الله حائری و شاگردان ایشان از بُعد ضرر بر نفس سوال شده است و آنان نیز از همان بُعد به پاسخ پرداخته اند. و حال آن که این مساله از ابعاد دیگر هم قابل طرح است مثل این که اگر قومه زنی سبب وهن و نفرت و گریز دیگران از مذهب شود و یا سبب وحشت و آزار تماشاگران و اعراض آنان از عزاداری شود، قومه زنی چه حکمی دارد؟

فتوای به جواز در شرایطی صادر شده که تنها نسبت به بُعد اضرار بر نفس حساسیت بوده است و مانند امروز قمه زنی زیر انتقاد دشمنان اسلام و تشیع به ویژه بنگاه های استکباری و صهیونیستی نبوده است. دشمنان اسلام به ویژه اسکبار جهانی امروزه این گونه مسائل را دستاویزی برای مبارزه با اسلام شیعی و انقلاب اسلامی ایران قرار می دهند. از این روی حساسیت های دیگری به جز اضرار بر نفس مطرح است. که با توجه به آن باید این مقوله از عالمان و فقیهان پرسیده شود.

یکی از هوا داران قمه زنی می گوید: علماء در فتواهایشان آورده اند که قمه زنی اگر به مرگ انسان بینجامد اشکال دارد و اما ضررهایی کمتر از آن اشکالی ندارد. این نسبت به فقهای شیعه نادرست است. چرا که معنای این سخنان این است که قطع اعضای بدن و ناکار آمد شدن آنها و یا از دست دادن قوای جسمی و روحی جایز است در حالی که هیچ فقیهی چنین سخنی نگفته است.

یکی دیگر با تشبیه قمه زنی به روزه می گوید: گاهی در پی ضررهایی که بر بدن وارد می شود اهداف عالی تری هست. از باب نمونه، در روزه گرفتن، بدن ضعیف می شود ولی منافع معنوی دارد. قرآن فرموده: لعلکم تتقون ۲۸، قمه زنی هم از این قانون مستثنی نیست.

در پاسخ باید گفت: قیاس قمه زنی به روزه از جهات گوناگون مخدوش است:

۱. روزه تکلیفی است که ریشه در آیات و روایات دارد و هیچ فقیهی در وجوب آن تردید نکرده است.
۲. افزون بر این، روزه ضربه بردن نیست بلکه بدن را باز سازی می کند و صدها فائده روحی و جسمانی دارد که به برخی از آنها در آیات و روایات اشاره شده است.
۳. علاوه بر این، اگر هر نوع اذیت و آزاری که فوایدی برای بدن داشته باشد جایز باشد باید بسیاری از ریاضت های ممنوع همانند ریاضت هایی که مرتاضان هندی دارند جایز باشد.

## ۲. وهن مذهب

قمه زنی و همانند آن از زاویه «وهن مذهب» و پیامدهای منفی آن نسبت به اسلام و مذهب تشیع نیز در خور بحث و بررسی است. نگرش به این گونه کارها از این زاویه، بسیار در خور اهمیت است. در روزگاری که به برکت انقلاب اسلامی، گرایش مردم به تشیع روز افزون شده است. و منطق و عقلانیت مبانی تشیع و صفا و پاکی رهبران آن به ویژه امام خمینی و مقام معظم رهبری، دنیای امروز را شیفته و دلدادده مذهب اهل بیت کرده، انجام کارهایی سوال برانگیز که پشتوانه استدلالی محکمی هم ندارد، موجب گریز و بیزاری مردم نسبت به مذهب می شود، و بزرگ ترین ستم به مذهب اهل بیت است. برفرض که بگوییم و معتقد باشیم که قمه زنی هیچ گونه ضرری به نفس ندارد و یا این که قمه زنی دارای دلیل های محکم فقهی است. به قیمت پای بندی به یکی از شعائر غیر واجب و تکالیف دینی، نمی توان اصل دین و مذهب را قربانی کرد و مردم جهان را بدبین به مذهب تشیع نمود و آن را مکتبی خرافی، بی منطق و خشونت طلب جلوه داد.

تاکید امامان معصوم بر تقیه، همه جا به خاطر ترس از مخالفان نیست بلکه در بسیاری از موارد برای حفظ حرمت و وزانت شیعه است. یعنی در مواردی که مخالف، درکی از معارف عالیه شیعه ندارد و به نظر او پذیرش مساله ای به عنوان دین و مذهب برای او دشواری نماید، باید به گونه ای عمل کرد که بدبینی او تحریک و تشدید نشود، بلکه هر چه ممکن است، باید چهره دین و مذهب را زیباتر و دل پذیر تر جلوه داد. تا غیر مسلمانان تشویق به دین شوند. بر همین اساس امام صادق (ع) می فرماید:

كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا حَبَّبْنَا إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَبْغَضُونَا إِلَيْهِمْ، فَجَرُوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ اَدْفَعُوا عَنَّا كُلَّ شَرٍّ. ۲

زینت ما باشید نه سبب زشتی و بی آبرویی ما. ما را محبوب مردم گردانید و مبعوض ایشان نکنید. پس محبت آنها را به ما جلب کنید و هر گونه بدی را از ما دور سازید.

و نیز علی (ع) می فرماید:

ان احسنَ الزی ما خلطک بالناس و جمَلکَ بینهم و کف السنتمهم عنک ۳.

همانا نیکو ترین زینت و زیبایی چیزی است که تو را با مردم آمیخته سازد و تو را در میان مردم زیبا سازد و زبانشان را از بد گویی تو باز دارد.

و نیز امام صادق (ع) می فرماید:

ایاکم انْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعِيرُونَابَهُ، فَاِنَّ وَلَدَ السُّوءِ يُعِيرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ، كُونُوا لِمَنْ اِنْقَطَعَتْمْ اِلَيْهِ زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلِيهِ شَيْنًا ... ۴

مبادا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کنند. همانا فرزند بد، پدرش را به کردار او سرزنش کنند. برای کسی که به او دل داده اید (امام خود) زینت باشید و عیب و ننگ او نباشید.

اگر برخی فقها در گذشته، براساس شرائط و مصالحی موجود به جواز قمه زنی فتوا داده اند اما امروزه که شرائط با زمان های پیشین متفاوت است نمی توان همانند پی به جواز آن حکم کرد. به همین جهت فقهای معاصر از زاویه وهن مذهب به این موضوع پرداخته اند. از باب نمونه در پرسش های گوناگون از کارهایی چون قمه زنی، قفل زنی، استفاده از زنجیرهای خاردار که سبب جاری شدن خون از بدن می شود. همچنین صورت و سینه خود را به زمین مالیدن به گونه ای که خون جاری شود، از آتش گذشتن و ... از فقها و مراجع معاصر سوال شده است. بسیاری از آنان چون مرحوم آیت الله فاضل لنگرانی، آیت الله بهجت، و همچنین آیت الله صافی گلپایگانی فرموده اند: هر عملی که موجب وهن مذهب شود جایز نیست. ۵

آیت الله سیستانی در پاسخ فرموده اند: باید از کارهایی که عزاداری را مخدوش می کند پرهیز کرد. ۶

مرحوم آیت الله تبریزی فرموده اند :

مجالس عزاداری برای تعظیم شعائر الهی است و باید به صورتی واقع شود که تعظیم معصومین (ع) بالاخص ابی عبدالله الحسین (ع) و اظهار حزن و شیون بر مصائب وارده باشد. ۷

آیت الله مکارم شیرازی به صراحت گفته اند:

کارهایی که نوشته اید مناسب این مراسم نیست و موجب وهن مذهب می شود. ۸

مقام معظم رهبری با شرح بیشتری در چند پرسش و پاسخ به حکم این گونه کارها پرداخته اند. از جمله از ایشان سوال شده است:

آیا قمه زنی به طور مخفی جایز است یا این که فتوای حضرت عالی عمومیت دارد؟

ایشان در پاسخ فرموده اند:

قمه زنی افزون بر این که از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی شود و سابقه ای در عصر ائمه علیهم السلام و زمان های بعد از آن ندارد و تاییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه السلام در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بد نام شدن مذهب می شود. بنابر این، در هیچ حالتی جایز نیست. ۹

این فتوا دارای چند نکته اساسی و مهم است که می تواند دلیل و شاهی بر جایز نبودن قمه زنی و کارهایی همانند آن باشد.

۱. قمه زنی از نگاه عرف از مظاهر و مصادیق عزاداری نیست.

۲. سابقه ای در روزگار امامان معصوم (ع) و پس از آن نداشته است.

۳. تاییدی هم به شکل خاص یا عام درباره قمه زنی نیامده است.

۴. در زمان حاضر نیز موجب وهن و بد نام شدن مذهب شیعه می شود.

و در پاسخ چند سوال دیگر که به پاره ای از مصادیق دیگر غیر از قمه زنی، سوال شده فرموده اند:

هر کاری که برای انسان ضرر داشته باشد و یا باعث وهن دین و مذهب گردد حرام است و مومنین باید از آن اجتناب کنند. و مخفی نیست که بیشتر این امور باعث بدنامی مذهب اهل بیت (ع) می شود و این از بزرگ ترین ضررها و خسارت هاست. ۱۰

برخی برای آن که ثابت کنند قمه زنی وهن مذهب نیست گفته اند:

چون دشمنان نمی پسندند دلیل آن نسیت که قمه زنی وهن مذهب باشد و ما از آن دست بر داریم، و سپس با استناد به برخی از آیات از جمله: یا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۱۱ و سخنان برخی از بزرگان را یادآور شده اند از جمله آیت الله بروجردی که حکم خدا با مسخره کردن عوض نمی شود و سخنان امام خمینی در توصیه به شورای نگهبان که فرمودند: مبادا از حرف های خارجی ها بترسیم و در پیاده کردن احکام خدا سستی کنیم. ۱۲

افزون بر این، این کارها مخصوص ما نیست، در واتیکان نیز، مسیحی ها با شیشه بدن خود را زخمی می کنند و سینه خیز روی زمین راه می روند ...

در پاسخ سخنان یاد شده باید گفت: نکته مهمی که از آن غفلت شده این است که بین تمسخر پیامبران در ابلاغ پیام وحی و همچنین احکام مسلم شرعی با کاری که مشروعیت آن ثابت نشده بسیار تفاوت است. قیاس این دو به هیچ روی درست نیست. بی تردید، اگر دشمن ما را به جهت عقاید و اعمال مسلم دینی مسخره کند، کم ترین توجهی نمی کنیم. اما قمه زنی همان گونه که اشاره شد هیچ دلیل شرعی چه خاص و چه عام ندارد. بلکه شیوه ای از عزاداری است که به وسیله خود مردم به وجود آمده است. و نمی توان آن را جزء دین به شمار آورد. اگر دشمنان، ما را به خاطر اصل عزاداری و یا گریه بر سید الشهداء و... مسخره کنند توجه نمی کنیم چرا که در خود دین و روایات به این امور سفارش شده است. ما از مسخره کردن دشمن نمی ترسیم. از بد نمایاندن اسلام و مذهب به ملت ها می ترسیم. ما از آن می ترسیم که با فشاری ما بر برخی از اعمالی که سابقه چندانی ندارد بهانه و دستاویزی به دست دشمنان بدهد و آنها با استفاده از آن، ملت هایی را که تشنه مکتب و مذهب تشیع اند از آن بیزار کنند. در قرآن آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ وَآمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا أَنْظِرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۳

آیه شریفه می گوید: به جای «راعنا» بگوئید: «انظرنا»

این آیه زمانی نازل شد که یهودی ها به واژه «راعنا» ایراد گرفته و به وسیله آن پیامبر و مسلمانان را مسخره می کردند زیرا «راعنا» همان گونه که در ذیل آیه در تفسیرها آمده هم به معنای «مهلت بده» و هم «ما را مراعات کن» به کار برده می شود و هم به معنای «ما را تحمیق کن» مسلمانان که با واژه «راعنا» با پیامبر گفت و گو می کردند مورد تمسخر یهود قرار می گرفتند. خداوند به مومنان گوشزد کرد که شما می توانید با تغییر یک کلمه در گفت و گوی با پیامبر اسلام این سوژه را از دست دشمن بگیرید. به جای «راعنا» بگوئید: «انظرنا» یعنی به ما توجه کن. ۱۳ از آیه شریفه استفاده می شود که مسلمانان باید در برنامه های خود به گونه ای عمل کنند که بهانه به دست دشمن نیفتد. مقصود عالمانی که امروزه با قمه زنی و کاهایی همانند آن مخالفت دارند نیز همین است. آنان بر این باورند زمانی که شود با شیوه های بهتری عزاداری کرد که سبب دستاویز دشمنان نشود.

افزون بر این ها، مقایسه قمه زنی و امثال آن با کارهای غلطی که برخی از مسیحیان انجام می دهند، باعث جواز آن نمی شود. بلکه شک و تردیدها را بیشتر می کند و بحث تقلید از بیگانگان را در اذهان پدیدار می سازد. آیا عمل پیروان شریعت تحریف شده مسیحیت برای ما حجت است؟ علاوه بر این، آداب و رسوم غلط برخی از ملت ها به دین آنها مستند نیست تا سبب وهن و بد نامی دین آنان شود. بسیاری از سنت های قومی و ملی نادرست تنها برای تفریح و خوش گذرانی است اما متاسفانه قمه زنی مستند به دین و مذهب می شود و بر داشت دیگران نیز از این کار همین است. حتی برخی از معترضان، شیعه را با همین مراسم معرفی می کنند.

### قمه زنی و حکم حاکم

در بخش گذشته با نقل و نقد و بررسی دلیل ها و شواهد جواز قمه زنی به این نتیجه رسیدیم که این گونه کارها هیچ گونه دلیل شرعی به صورت خاص و یا عام ندارد و در سیره امامان معصوم (ع) نیز چنین شیوه هایی از عزاداری دیده نشده است. و اینک با صرف نظر از مطالب گذشته و با فرض این که این گونه عزاداری ها جایز یا مستحب و یا حتی واجب باشد، اگر حاکم اسلامی نسبت به گونه ای از عزاداری حکمی داد و از آن منع کرد تکلیف چیست؟ وظیفه فقهای که آن نوع از عزاداری را مشروع و به جواز یا استحباب آن فتوا داده اند چیست؟ آیا می توانند بر نظر و فتوای خود اصرار داشته باشند و مردم را نیز بدان فرا بخوانند؟ افزون بر این، اگر کسی از مرجعی تقلید می کند که قمه زنی را جایز می داند، آیا با نهی حکومتی و حکم حاکم برای او جایز است که در این مسئله برابر نظر و فتوای مرجع خود عمل کند و قمه بزند؟

در جای خود ثابت کرده ایم که اگر حاکم و ولی فقیه در روزگار غیبت حکم داد بر همگان چه مقلدان حاکم و چه مقلدان دیگر مراجع و حتی خود مراجع واجب است که از حکم حکومتی حاکم اسلامی پیروی کنند. چرا که ادله حجیت و نفوذ حکم حاکم عام است و همگان را در بر می گیرد.

همه کسانی که حکم حاکم را پذیرفته اند به عمومیت نفوذ حکم و لزوم پیروی از آن فتوا داده اند.

از باب نمونه صاحب جواهر در باب رویت هلال و روزه گرفتن و افطار کردن می نویسد:

بل الظاهر عدم الفرق فی ذلک بین الحاکم الاخر و غیره فیجب الصوم او الفطر علی الجميع. ۱۴

در لزوم پیروی، تفاوتی بین حاکم دیگر و غیر او نیست، همگان موظفند از حکم حاکم پیروی کنند و با حکم او روزه بدارند و روزه بگشایند.

شیخ انصاری نیز در بحث «مزاحمت فقها با حاکم اسلامی» با اشاره به این که اگر فقیه دارای شرائط در قلمرو اختیارات خود حکمی صادر کرد، آیا فقیه دیگری حق دارد حکم او را نقض کند، یا این که همه باید پیرو نظر و حکم او باشند؟ پس از اشاره به ادله پیروی از حکم، می نویسد:

هذا كله مضافا الى اختلال المصالح المنوطه الى الاحكام سيما في مثل هذا الزمان شاع فيه القيام بوظائف الاحكام ممن يدعى الحكومه و كيف كان فقد تبين مما ذكرنا عدم جواز مزاحمه فقيه لمثله في كل الزام قولى او فعلى يجب الرجوع الى الحاكم. ١٥

«افزون بر دليل هاىي كه آمد، در مزاحمت فقيه و نقض حكم او اختلال نظام پيش مى آيد و آن دسته از مصالح اجتماعى كه به وسيله حاکمان سر و صورت مى گيرد مختل مى شود. همان گونه كه در روزگار ما مدعيان حكومت و مزاحمان با حكم حاكم بسيار شده اند به هر حال، از آن چه گفتيم روشن شد: اگر فقيهي حكم فعلى و يا قولى الزام آورى را در امورى كه مربوط به حكم است، بيان كند، جايز نيست ديگر فقها براى حكم او مزاحمت ايجاد كنند.» البته فرض ياد شده در صورتى است كه حكومتى بر مبنای اسلام تشكيل نشده باشد و همه فقها وظيفه داشته باشند در امور ولايى دخالت كنند. اما اگر حكومت اسلامى تشكيل شده باشد و در راس آن فقيهي داراى شرائط، مانند زمان ما با شد به طريق اولى ديگر فقها در مسائل حكومتى حق مزاحمت ندارند. چرا كه در اين صورت فردى معين، به اين كارها مى پردازد و دخالت ديگران در چنين مواردى مزاحمت با حاكم اسلامى است. كه بى شك ادله ولايت فقيه مورد مزاحمت را در بر نمى گيرد. افزون بر اين، اختلال نظام و هرج و مرج كه شيخ انصارى نيز بدان اشاره کرده بودند در اين جا نيز، پيش مى آيد.

بسيارى از ديگر فقها نيز به نفوذ حكم حاكم و عموميت آن تصريح کرده اند. نگارنده در جاى ديگر برخى از اين گفته ها را آورده است. ١٦

در اين جا تنها به يك نمونه ديگر بسنده مى كنيم: مرحوم آيت الله خويى در ذيل سخن زير از سيد محمد كاظم يزدى: «و لا يختص اعتبار حكم الحاكم بمقلديه بل هو نافذ بالنسبه الى الحاكم الاخر...١٧» مى نويسد: «و على تقديره لا يفرق فيه بين مقلديه و مقلدى غيره حتى المجتهد الاخر و ان كان اعلم و الناس كلهم مقلدوه و لا مقلد لهذا المجتهد الحاكم اصلا بمقتضى اطلاق الدليل ١٨»

اگر حجيت قول حاكم را پذيرفتيم ،در حجيت و نفوذ آن، بين مقلدان خود او و مقلدان ديگر مراجع، تفاوتى نيست. همه وظيفه دارند پيروي كنند. و بلكه مجتهد ديگر، هر چند اعلم باشد و همه مردم مقلد او باشند و فقيه حاكم هيچ مقلدى نداشته باشد، موظف است از حاكم پيروي كند؛ زيرا ادله اطلاق دارند.

با نگاهی به تاريخ نيز، مى يابيم كه همه فقها بر اين اصل مهر تاييد زده اند. از باب نمونه استفاده از تنباكو عملى جايز و مباح بود اما وقتى ميرزاى شيرازى بزرگ ،به خاطر مصالح اسلام و كشور اسلامى حكم به تحريم دادند همگان از مردم عادى تا مراجع از آن پيروي كردند. و وقتى كه حكومت ايران براى شكستن آن حكم، به مراجع نجف و ايران مراجعه كرد، همگان در پاسخ گفتند:

«آن چه را ميرزاى شيرازى فرموده، حكم است نه فتوا، و اطاعت آن، بر همه لازم است. ١٩»

و یا میرزای آشتیانی فرمود: این حکم از جناب میرزای شیرازی است و حکم جنابشان درباره مجتهد و مقلد نافذ و واجب الاتباع است. ۲۰

امام خمینی نیز، با اشاره به حکم میرزای شیرازی می فرماید: چون حکم حکومتی بود برای فقهای دیگر نیز، واجب الاتباع بود. ۲۲

نمونه ای دیگر، در روزگار مرجعیت سید ابوالحسن اصفهانی، فردی از شیعیان را بدون جهت در مکه کشتند. ایشان در آن سال حج را تحریم کردند. و یا پس از حادثه سیاه و خونین مکه، به دستور امام خمینی حج تعطیل شد. نماز جماعت با آن همه اجر و ثوابی که دارد در دوران نهضت و پیش از انقلاب برای مدتی تعطیل شد. ۲۳

افزون بر همه این موارد تاریخی، شهید صدر می نویسد:

اگر حاکم شرعی، فرمانی جهت مصلحت صادر کرد حتی کسانی که معتقدند که مصلحتی را که حاکم تشخیص داده است، اهمیتی ندارد، نمی توانند مخالفت کنند. بلکه باید از آن پیروی کنند. ۲۴

با توجه به سخنان و مبانی یاد شده، حتی اگر کسی از مرجعی تقلید می کند که او قمه زنی را جایز و یا مستحب می داند، با نهی و حکم صریح ولی فقیه، قمه زنی جایز نیست. در این مسئله نه تنها مقلد که مرجع نیز نمی تواند به فتوای خود عمل کند. بر همین اساس بسیاری از عالمان بزرگ و مراجع تقلید پس از آن که رهبری از قمه زنی نهی کردند پیروی از حکم ایشان را واجب دانستند. از باب نمونه: مرحوم آیت الله لنکرانی پس از حکم به تحریم قمه زنی می فرماید:

گذشته از اینها، اعمال فوق مورد نهی مقام معظم ولایت امر مسلمین قرار گرفته و حکم معظم له واجب الاتباع است. خداوند به ملت معتقد و هوشیار و سیاست فهم ایران توفیق تبعیت از احکام الهی و عزاداری مورد رضایت بقیه الله را عنایت فرماید.

آیت الله اراکی، با این که در این موضوع پیرو آیت الله حائری است ولی پس از حکم مقام معظم رهبری اعلام کردند:

دستور ولی امر مسلمین جهان مبنی بر جایز نبودن این اعمال برای همه لازم الاطاعه و قابل اجرا است.

۲۵

آیت الله شاهرودی، آیت الله بنی فضل، آیت الله مظاهری و بسیاری از دیگر فقیهان پیروی از حکم ایشان را بر همگان لازم دانستند. ۲۶



همچنین آیت الله مشکینی، ۲۷ و بسیاری از علمای لبنان از جمله علامه فضل الله شیخ محمد مهدی شمس الدین رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، سید حسن نصر الله و... حمایت و پشتیبانی خود را از سخنان رهبری اعلام داشتند و از شیعیان لبنان و دیگر مناطق جهان نیز خواستند که از رهنمودهای ایشان پیروی کنند. ۲۸

پی نوشت ها:

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۳.
۲. وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۰۰.
۳. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵ ص ۵۱۰.
۴. اصول کافی، ج ۲ ص ۲۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱ ص ۴۷۱ حدیث یاد شده را با اندک تفاوتی نقل کرده است.
۴. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۳ ص ۳۳.
۵. همان مدرک.
۶. همان مدرک.
۷. همان مدرک.
۸. اجوبه الاستفتائات ص ۳۲۴-۳۲۶.
۹. همان مدرک.
۱۰. در بخش آینده در این باره توضیح بیشتری خواهیم داد.
۱۱. سوره یس، آیه ۳۰.
۱۲. سخنان امام خمینی در جمع اعضای شورای نگهبان، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۱۸ ص ۲۴۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
۱۳. بقره آیه ۱۰۴.
۱۴. التفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۳ ص ۲۲۴، دار احیاء التراث العربی؛ الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج ۲ ص ۵۷، دار احیاء التراث العربی.
- سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱/۴۳/۷۶ در اجتماع بزرگ مردم مشهد در صحن امام خمینی.
۱۵. پیرامون عزاداری عاشورا، ص ۴۲.

۱۶. جواهر الکلام، ج ۱۹ ص ۳۹۰.
۱۷. المکاسب، شیخ انصاری، ۱۵۷، چاپ تبریز .
۱۸. مجله فقه، ش ۲ ص ۶۳-۶۵، مقاله حکم حاکم و رویت هلال.
۱۹. عروه الوثقی، ۳۷۰، کتاب الصوم، دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. مستند عروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج ۲ ص ۱۱۴، کتاب الصوم.
۲۱. تحریم تنباکو، تیموری، ۱۱۷، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران.
۲۲. قرار داد رژی، کربلایی، ص ۸۴ - ۸۷، ۸۹، ۱۰۹، ۱۲۳.
۲۳. ولایت فقیه، ص ۱۵۰.
۲۴. پیرامون عزاداری عاشورا، ص ۵۵.
۲۵. الفتاوی الواضحه، ص ۱۱۶ مسئله ۲۳.
۲۶. پیرامون عزاداری عاشورا، ص ۳۷.
۲۷. همان مدرک.
۲۸. همان مدرک. ص ۴۸ - ۶۰.